

Error! Bookmark not defined. بررسی روایات طائفه ی چهارم

2..... روایت اول

Error! Bookmark not defined. وجوه حمل در روایت اول

5..... روایت دوم

6..... وجوه حمل روایت دوم

7 روایت سوم

8..... وجه حمل در روایت سوم

9 نتیجه نهایی در روایات طائفه ی چهارم

بررسی روایات طائفه چهارم

بحث ما در طائفه ی چهارم از روایات مربوط به حد تقصیر است ، در این طائفه ی چهارم به روایات متفرقه ای اشاره می کنیم که عناوین دیگری برای حد تقصیر در آنها آمده است . و این عناوین غیر از بریدین و ثمانیه فراسخ و مسیره یوم هستند . چند عنوان در این روایات آمده است مثلا در یک روایت مسیره یوم و لیله آمده و در بعضی ثلاثه برد و امثال این ها آمده است.

ما باید بررسی یکنیم که اینها آیا توان معارضه با روایات قبلی که در حد تقصیر مورد بحث قرار گرفت را دارند یا خیر؟ و اگر معارضه می کنند آن وقت راه حل رفع تعارض چیست؟

روایت اول

اولین روایت از این روایات روایت ذکریا ابن آدم است :

بِإِسْنَادِهِ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَنِ التَّقْصِيرِ فِي كَمْ يُقَصِّرُ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ فِي ضَيْاعِ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَمْرُهُ جَائِزٌ فِيهَا يَسِيرُ فِي الضَّياعِ يَوْمَيْنِ وَ لَيْلَتَيْنِ وَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ لَيَالِيَهُنَّ فَكَتَبَ التَّقْصِيرُ فِي مَسِيرِ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ.¹

بررسی سند روایت

روایت از لحاظ سند معتبر است.

بررسی دلالت روایت

ظاهر روایت این است که می خواهد حد تقصیر را بیان کند ، چون سوال " فِي كَمْ يُقَصِّرُ الرَّجُلُ " است.

و ظاهر روایت این است که با روایات مسیره یوم و بیاض یوم و ثمانیه فراسخ و ... متفاوت است ، و باید بینیم که مراد از این مسیره یوم و ليله چه چیزی می باشد.

وجه حمل در روایت اول

وجه حمل اول

به نظر ما این روایت با روایات دیگر (مخصوصا با روایات مسیره یوم) معارض نیست. و مراد از مسیره یوم و ليله همان مسیره یوم است.

حال چرا به مسیره یوم و ليله تعبیر کرده است؟ چون معمولا حرکت قطارها اینگونه بوده که یا شب حرکت می کردند و روز را استراحت می کردند و یا روز را حرکت می کردند و شب را استراحت می کردند ، و به قرینه روایات دیگر این روایت که می گوید مسیره یوم و ليله قاعداً مرادش همان مسیره یوم است که گاهی شبانه می شود و روزها استراحت می کنند و گاهی روزانه می شود و شب ها استراحت می کنند و این هم به تبع گرمی و سردی هوا بوده است.

من یادم میاد ما نجف که بودیم و پیاده کربلا می رفتیم در تابستان ها اینگونه بود که شب ها حرکت می کردیم و روزها را استراحت می کردیم چون هوا خیلی گرم بود و فقط شبها حرکت می کردیم و

¹ : وسائل الشیعه ج 8 ص 452

غروب که میشد نماز مغرب و عشاء را می خواندیم و حرکت می کردیم تا نزدیک های طلوع فجر، و این بین قوافل مرسوم بوده بلکه بسیاری از قوافل حتی در فصل های دیگر حتی در وسط زمستان هم بیشتر شب رو بودند و در روایتی داریم که شب حرکت کردن بهتر است و کمتر احساس می شود که مسیر طولانی است. علتش هم شاید این بوده که در این مسیر شاید می خوابیدند و متوجه طول مسیر نمی شدند.

بنابراین اصل اینکه مسیره یوم و ليله به این معنی که مسیره یوم و مسیره ليله هردو باهم و روی هم حد تقصیر باشند چنین چیزی برای ما مقطوع البطلان است ؛ برای خاطر اینکه تمام روایات ما که تواتر اجمالی بین آنها هست مخالف با این مطلب هستند که مسیره یوم و ليله روی هم رفته و 16 فرسخ حد تقصیر باشد . بنابراین باید ما به شکلی معنای این روایت را توجیه کنیم .

توجیه اولش همین است که حمل بر این وجه اول بشود ؛ مثل این است که کسی گفته باشد "مسیره یوم او ليله" این یک وجه در حمل است.

وجه حمل دوم

وجه دیگر بر حمل این است که ما این روایت را حمل بر تقيه کنیم ، قرینه بر این حمل هم روایت خزاز است :

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَرَّازِ² عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: بَيْنَا نَحْنُ جُلُوسٌ وَأَبِي عِنْدَ وَالِ بْنِ أُمَيَّةَ عَلَى الْمَدِينَةِ - إِذْ جَاءَ أَبِي فَجَلَسَ فَقَالَ كُنْتُ عِنْدَ هَذَا قُبَيْلُ فَسَاءَ لَهُمْ عَنِ التَّقْصِيرِ فَقَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ فِي ثَلَاثٍ **وَقَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ يَوْمٌ وَلَيْلَةٌ** وَقَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ رَوْحَهُ فَسَأَلَنِي فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَمَّا نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرِيلُ بِالتَّقْصِيرِ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص فِي كَمْ ذَاكَ فَقَالَ فِي بَرِيدٍ قَالَ وَ أَيْ شَيْءِ الْبَرِيدُ فَقَالَ مَا بَيْنَ ظِلِّ غَيْرٍ إِلَى فَيْءٍ وَغَيْرٍ - قَالَ ثُمَّ عَبَرْنَا زَمَانًا ثُمَّ رَأَى (به نظرشان رسید) [رؤی] بَنُو أُمَيَّةَ يَعْمَلُونَ أَعْلَامًا عَلَى الطَّرِيقِ وَأَنَّهُمْ

ذَكَرُوا مَا تَكَلَّمَ بِهِ أَبُو جَعْفَرٍ - فَذَرَعُوا مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى فَيْءٍ وَغَيْرٍ - ثُمَّ جَزَّؤُهُ عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِيلًا فَكَانَتْ ثَلَاثَةُ آلَافٍ وَخَمْسَمِائَةٍ ذِرَاعٍ كُلُّ مِيلٍ فَوْضَعُوا الْأَعْلَامَ فَلَمَّا ظَهَرَ بَنُو هَاشِمٍ - غَيْرُوا أَمْرَ بَنِي أُمَيَّةٍ غَيْرَهُ لَأَنَّ الْحَدِيثَ هَاشِمِيٌّ فَوْضَعُوا إِلَى جَنْبِ كُلِّ عِلْمٍ عِلْمًا.³

اینکه می گوید "قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ يَوْمٌ وَ لَيْلَةٌ" معلوم می شود چنین قولی در بین فقهای غیر امامیه از مخالفین وجود داشته است. و لذا وجه دیگری که روایت را بر آن می توان حمل کرد وجه تقیه است

و عند التعارض (بر فرض اینکه بگوئیم مراد از یوم و ليله یعنی 16 فرسخ) اون وقت با روایاتی که حد را کمتر از این بیان می کنند تعارض می شود و عند تعارض اگر احد روایتین موافق با مبانی عامه باشد "خذ بما خالف العامه" بر او منطبق می شود و از حجیت می افتد. این هم وجه دوم در حمل این روایت است.

این اولین روایت از روایات طائفه ی چهارم است که یا باید حمل بر این شود که مراد از یوم و ليله همان ثمانیه فراسخ است و به این تعبیر اداء شده است ؛ یا اینکه حمل بر تقیه کنیم به قرینه روایت خزاز و اگر چه مرسله بود اما برای اینکه قرینه باشد بر اینکه چنین قولی در بین اهل سنت وجود دارد کفایت می کند.

روایت دوم

روایت ابی بصیر است که شیخ هم در تهذیب و هم در استبصار نقل کرده است :

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بُدَّ لِلْمُسَافِرِ أَنْ يُتِمَّ (الصَّلَاةَ فِي سَفَرِهِ)⁴ مَسِيرَةَ يَوْمَيْنِ.⁵

بررسی سند روایت

³ : وسائل الشیعه ج8 ابواب صلاه مسافر باب دوم حدیث 13

⁴ - في التهذيب- السفر، و في الاستبصار- في السفر بدل ما بين القوسين.

⁵ : وسائل الشیعه ج8 ص453

این روایت هم خدشه ی سندی دارد و هم دلالتا نمی تواند با روایات سابق معارضه کند . در سند ابی جمیله است و ابی جمیله مفضل بن صالح است که هم نجاشی و هم دیگران او را تضعیف کرده اند و مسلم الضعف است و لذا روایت از نظر سندی تام نیست .

بررسی دلالت روایت

صرف نظر از سند هم دلالتش بر حد بودن مسیره یومین تام نیست . چون می فرماید: لَا بَأْسَ لِلْمُسَافِرِ أَنْ يُتِمَّ (الصَّلَاةَ فِي سَفَرِهِ)⁶ مَسِيرَةَ يَوْمَيْنِ.

این مبهم است که مرادش چیست ؟ اگر بخواهیم حملش کنیم بر اینکه در مسیره یومین هم تقصیر واجب نیست . این با روایاتی که کسی که سفرش مسیره یوم است باید تقصیر کند، معارضه می کند .

وجه حمل اول

یا حمل کنیم بر اینکه مراد از مسیره یومین این است که در این یومین کمتر از حد تقصیر را سیر کند؛ چون اصلا روایت در مقام بیان حد تقصیر نیست بلکه در مقام بیان این است که کسی دو روز هم برود و مع ذلک نمازش قصر نشود. و خود لا باس قرینه ای است بر اینکه در مقام بیان حد و نفی حد های دیگر نیست . و این وجه هم قابل تصور است که مراد از این باشد که قد یكون المسافر فی مسیره یوم و لم يبلغ حد التقصیر دو روز حرکت کند و به حد تقصیر نرسد مثل خیلی از کسانی که پیاده حرکت می کنند و ممکن است که دو روز حرکت کنند و به حد تقصیر نرسند و آرام آرام بروند. بنابراین روایت صریح در این نیست که حدیت ثمانیه فراسخ یا مسیره یوم را نفی کند.

این مسیره یومین را هم اگر بخواهیم حمل بر ظاهرش کنیم و ظاهرش هم این باشد که نفی ثمانیه فراسخ است این مقطوع البطلان است . و ما نا چاریم دست از این ظاهر برداریم یا به اون وجهی که

⁶ - في التهذيب- السفر، و في الاستبصار- في السفر بدل ما بين القوسين.

بیان کردیم که یعنی گفته شود در مقام بیان نفی حدیث ثمانیه فراسخ نیست بلکه کسی ممکن است سفری داشته باشد و دو روز طول بکشد و با این حال به حد تقصیر نرسد.

به هر حال ظهور روایت مقطوع البطلان است بعلاوه اینکه اشکال سندی دارد و روایت اصلاً توان معارضه را ندارد.

روایت سوم

بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ السَّفَرَ فِي كَمْ يُقْصَرُ فَقَالَ فِي ثَلَاثَةِ بُرْدٍ.⁷

بررسی سند روایت

سند روایت صحیح است.

بررسی دلالت روایت

ممکن است در این روایت هم کسی ادعا کند چون سوال از مقدار تقصیر است پس در مقام بیان حد تقصیر است. و این با بریدین در روایات سابق تعارض می کند چون معنی اش این است که "لا يقصر حتی يبلغ ثلاثة برد".

با توجه به اینکه ما می دانیم که ثلاثة برد نمی تواند حد تقصیر باشد چون روایات بریدین و روایات مسیره یوم که منطبق بر بریدین بود و روایاتی که حد تقصیر را ثمانیه فراسخ بیان می کردند؛ لذا برای ما این مدلول ثمانیه فراسخ مقطوع به است. با توجه به تواتر روایات که میشه ادعای تواتر مضمونی روایات کرد لذا این مضمون ثلاثة برد برای ما به ظاهرش مقطوع البطلان است.

⁷ : وسائل الشیعه ج 8 ص 454

وجه حمل اول

بنابر این باز یکی از وجوه حمل این است که ما بگوئیم که این روایت تقیه ای است. چون در روایت خزاز یکی از نقل قول هایی که کردند (فقال قائل فی ثلاث بود) ثلاث یعنی 3ثلاثه ایام بود.

شاید هم ثلاث برد باشد چون ایام ندارد. که اون وقت حمل بر تقیه می شود.

وجه حمل دوم

وجه حمل دوم این است که ادعا کنیم که روایت ظهور ندارد یا لا اقل صریح نیست در اینکه اقل از ثلاثه برد موجب تقصیر نیست. بلکه این به عنوان مصداقی از مصادیق " ما یجب التقصیر " بیان شده است.

البته این وجه را حتی نسبت به روایت فی مسیره یومین نیز می توانیم بیان کنیم. و یکی از مصادیق یوم و لیلیه یا ثلاثه برد به عنوان مصداق مایجب التقصیر بیان شده است. نه اینکه حد تقصیر باشد به این معنی که اقل از این دیگر موجب تقصیر نمی شود.

مثلا فرض کنید کسی از شما سوال کند که اگر می خواهم سفر بروم کی می توانم قصر کنم؟ می گوید: از اینجا تا تهران را باید تقصیر کنی این به عنوان حد تقصیر نیست بلکه به عنوان این است که یکی از مصادیق ما یجب فیه التقصیر بیان شده است. اینکه در روایات دیگر حد تقصیر را بریدین یا مسیره یوم بیان کرده اند این قرینه می شود بر اینکه در اینجا که گفته فی مسیره یوم و لیله یا ثلاثه برد مراد از اینها بیان مصداق است نه بیان حدی که از این کمتر دیگر در آن قصر واجب نباشد.

برای اینکه ما روایت را از تعارض خارج کنیم یکی از وجوه آن حمل روایت است. شاید قرائنی در روایت بوده که مثلا ذکر نشده اند یا قرائن حالیه بوده یا مقامیه بوده و حتی قرائن لفظیه ای بوده که راوی دیده دخل در مفهوم ندارد و نیاورده است.

احتمال باید منشاء آن واضح باشد و ما که می گوئیم این بیان مصداق است چون با توجه به روایات تعیین حد این می تواند یکی از مصادیق ما یقصر فیه الصلاه باشد. یعنی از 8 فرسخ به بالا همه از مصادیق ما یقصر فیه الصلاه است. پس ممکنه این روایت در مقام بیان مصداق باشد.

نتیجه نهایی در روایات طائفه ی چهارم

بنابراین اجمالش این است که روایات طائفه ی چهارم را یا باید حمل بر تقيه بکنیم و یا باید حمل بر بیان مصداق بشوند یا اینکه گفته شود مثلا در روایت یوم وليله که مراد از یوم و ليله همونطور که عرض شد این مراد همان مسیره یوم است منتها به این نحو بیان شده چون گاهی شبها حرکت می کردند و روز می ماندند و گاهی روز حرکت می کنند و شب می ماندند به لحاظ اینکه گاه شب روی و گاه روز روی هست و در هر دو حال در هر دو حالت در 24 ساعت بیش از 8 فرسخ حرکت نمی کردند چون رسم نبوده که هم شب و هم روز حرکت کنند چون خسته می شدند لذا مسیره یوم و ليله همان مسیره یوم است. این وجوهی است که این روایات را بر آنها حمل کرد.

بنابراین از بررسی روایات باب به این نتیجه رسیدیم که اون چه میزان برای حد تقصیر است :

اولا : حد مکانی است نه حد زمانی و اینکه حد زمانی حد طریقی است به همون حد مکانی ؛ به ادله ای که قبلا گفته شد که مهم ترین آن این بود که حد مکانی حد مشخصی است و حد زمانی حد نامشخصی است و لذا اگر طریقت داشته باشد می تواند به عنوان حد بیان شود و الا فلا. این یک مطلب که از روایت استفاده شد و به این نتیجه رسیدیم.

ثانیا : اینکه در حد مکانی آنچه ملاک تقصیر است همان ثمانیه فراسخ است لا اکثر من ذلک و لا اقل چرا که در روایت فضل از امام رضا علیه السلام آمده بود .

بنابر این نتیجه می گیریم که حد تقصیر همان ثمانیه فراسخ است . منتها این ثمانیه فراسخ اگر حد امتداد طولی در نظر گرفته شود می شود 8 فرسخ و اگر حد تلفیقی در نظر گرفته شود می شود 4 فرسخ. و این حاصل کلام در روایات حد تقصیر است.

بحث آینده ما این است که خوب حالا روایاتی که آمدند و 8 فرسخ را تعیین کردند 8 فرسخ دقیقا چقدر می شود؟ فرسخ چیست؟ با امیال فرسخ را معین کردند و باید دید آیا مقدار فرسخ بنابر آنچه در روایات آمده و در کلام اهل لغت می توان بدست آورد دقیقا چیست . ما گفتیم ظاهرش این است که همون چه امروز از آن به میل تعبیر میشود همین هم در سابق بوده است و ما دلیلی بر نقل این به معنی دیگر نداریم که ان شاءالله بحث می کنیم.

"و السلام علیکم و رحمه الله"